

سخنی با داوران دوره چهارم مسابقه ادبی صادق هدایت " سایت سخن "

امیر هوشنگ برزگر

داوری، دقیقن مرز حق و نا حق است. دوصد من استخوان می خواهد که بتوان تنگ آن را صحیح و منصفانه کشید، حتا اگر در حد داوری فوتبال باشد.

داوری و قبول آن، چه بر مسند قضا و چه برای گزینش داستان های برتر، یک وظیفه وجدانی و انسانی است. و آنگاه که بهر دلیل مسئولیت محوله خوب انجام نشود، گناه است، (حد اقل)

متاسفانه این بار نیز، در چهارمین دوره انتخاب داستان های برتر، داوران نتوانستند (یا نخواستند) به قضاوت صحیح بنشینند.

اساتید محترم:

سرکار خانم بهناز علی پور گسگری و آقایان کاشیگر وحسین قدیمی،

شما تمامی ۹۵ داستان شرکت کننده در مرحله نیمه نهائی این دوره را تک تک و با نهایت دقت

و حوصله خوانده اید؟ و از این بابت بدهی ذهنی ندارید؟ و داستان هائی را که در نهایت انتخاب کرده اید، بهترین تشخیص داده اید؟ و می توانند نمایندگان ذوق و سلیقه شما باشند؟

داستان جالبی است بازی با ارقام:

سایت سخن (بر گزار کننده) می گوید تعداد کل شرگت کننده ۲۵۰ نفر با ۲۵۰ داستان است.

سایت : خبر گزارى میراث فرهنگى، می گوید تعداد کل شرکت کننده ۲۰۰۰ نفر است.

اگر آنهاى که جلوى اسمشان (*) خورده است (در صفحه مربوط به شرکت کننده ها در سایت

سخن) آنهاى هستند که در این دوره شرکت کرده اند، تعدادشان: ۱۳۵ نفر است.

کدام درست است؟به هر حال من ۲۵۰ را ماخذ قرار می دهم. در اینصورت:

شما نیز می دانید که در این دوره فقط ۲۵۰ داستان شرکت کرده اند.

و حتمن می دانید که در دوره قبل ۵۰۰ داستان شرکت کرده بودند.

و می دانید که طی چهار دوره ۲۰۰۰ داستان شرکت کرده اند. و این یعنی که در دوره اول و

دوم ۱۲۵۰ داستان شرکت کرده بودند.

بنظر شما علت این نزول و سیر پس رفت چیست؟ و آیا می تواند دلیل دیگری جز سر خوردگی از قضاوت های نا کار آمد باشد؟

اگر قرار است که حاصل چنین مسابقاتی به دلیل عدم توان بر گزاری مطلوب آن ها (حتا در حد آمار) چنین تاسفبار و نا امید کننده باشد، آیا تعطیل کردن آن ها بسی بهتر از بودنشان نیست؟ چرا که می بینیم دارند ریشه اعتماد و ذوق جوانان ما را یکجا می خشکانند. و این نکته ای است که به دفعات از سوی ما گوش زد شده است. نکته جالب! دیگر این است که در مرحله نخست:

" همکاران دفتر صادق هدایت "

۹۵ داستان را به داوران نهائی معرفی کرده اند. این

" همکاران دفتر صادق هدایت "

چه کسانی هستند که،

۱۵۵ داستان را خوانده اند و نپسندیده اند؟...یا در حقیقت هر ۲۵۰ داستان را خوانده و ۹۵ داستان را برای تصمیم شما داوران نهائی، مناسب! تشخیص داده اند؟

مگر این یک کار امنیتی است که مخفی کاری می شود و نیایستی کسی بعضی اسامی را بداند؟

من با احترامی که برای نویسندگان داستان های بر گزیده قائلم و برای همه شان توفیق بیشتر آرزو دارم، و مطمئن هستم که در راه تعالی گام بر می دارند، بر گزیده شدنشان را نهایت کم

توجهی شما می دانم، و کم لطفی نسبت به آن هائی که داستان های محکم و منسجم و خوش نثری ارائه داده اند.

در اولین فرصت یا من و یا سایر همکارانم به نقد داستان های بر گزیده خواهیم

پرداخت تا بیشتر متوجه بشوید که کاری درست و تمیز انجام نداده اید. امید واریم تا آنموقع داستان برنده اول نیز از پشت ابرها بیرون آمده باشد، داستانی که نمی دانیم نامش " اسارت گاه " است به نقل از خانم لادن پارسی در سایت بی بی سی، یا " استارت گاه ". و نیز داستان های بهتر را

معرفی خواهیم کرد

راستی چرا دو دوره است که داستانهای برنده اول سرنوشتی مشابه دارند....بدون لینک و دور از دسترس؟ بهتر است (حداقل) شما روشنفکران بدانید که: مردم اصل و اولند، و نهایت احترام را به آنها بگذارید.

امید داریم همانطور که، قبل از شروع مسابقه در نوشته ای با عنوان:

(از سر خیر خواهی ، که در گز رگه شماره ۴۴ آمده است.)

یاد آور شدیم، و متأسفانه می بینیم که مورد توجه واقع نشده است، اشارات این بار ما را نیز از سر خبر خواهی بدانید و مورد توجه قرار دهید. چون حاصل چنین عمل کردی، بدون شک بی توجهی و بی اعتنائی بیشتر نویسندگان جوان را سبب خواهد شد. و مانع شوید که حاصل این مسابقات بشود مصداق:

(شد غلامی که آب جو آرد آب جو آمد و غلام ببرد)